

صلح و امنیت در سیره و آیین پیامبر رحمت (ص)

عبدالغفور جامی رودی^۱، توفیق جامی رودی^۲، توحید جامی رودی^۳

چکیده:

به نام مهربانی که رحمتش همه هستی را فرا گرفته و درود و سلام بر پیامبر رحمتی که با قلب مهربانش، شفقت و محبت و رحمت را چون شربتی گوارا به امتش نوشاند. در اسلام به حقوق مردم توجه ویژه ای مبذول می دارد منابعی چون: قرآن، سنت، اجماع و قیاس (عقل) از جمله منابعی به شمار می روند که در این زمینه ضامن بقای دین گردیده اند. به همین دلیل نخستین اصل حقوقی که در روابط بین الملل اسلامی ایجاد گردیده اصل وحدت و هم زیستی مسالمت آمیز است که براساس حق و عدل و قانون به آن پای بندی نشان می دهد. به طوری که صراحتاً در قرآن همگی را به صلح دعوت می کند: «ادخلوا فی السلم کافه». همچنین آیات: ۱۶۴ بقره، ۱۰۳ انعام، ۸ دخان، ۴ و ۵ صافات، ۶۵ و ۶۶ ص و ۷۰ قصص از نمونه های بارزی است که قرآن آدمیان را به سوی وحدت سوق می دهد. مسلمانان نیز به تاسی از قرآن اولین کسانی بودند که قرن ها قبل از غربیان، به نگارش کتب «سیر» در زمینه حقوق انسان پرداختند. «زید بن علی» نخستین کسی بود که در این زمینه کتاب نوشت و افرادی چون عبدالرحمن آوزاعی، ابویوسف (از شاگردان ابوحنیفه)، ابواسحاق فزاری، محمد حسن شیبانی و پروفیسور احمد رشید نیز به ادامه این راه پرداختند و کتبی در زمینه حقوق بین المللی نگارش نمودند. ایجاد امنیت جهانی و صلح و سازش مهم ترین هدف رسالت اسلام بوده و پیوسته پیروان خود را از ایجاد تفرقه باز داشته است. شخصیت هایی چون: «اولین زینب کوبولو»، «عمر میتا»، «فاطمه کازو»، «جان اف. سی. لی»، «علی محمد موری»، «مسعوده اشتاین من» از جمله کسانی هستند که ایجاد صلح و امنیت در اسلام را از دلایل ایمان آوردن خود به شریعت محمدی (ص) دانسته اند. قرن ها قبل از آن که اعلامیه حقوق بشر به تصویب رسد دین اسلام با ظهور خود حقوقی چون: زندگی، آبرو و سوادآموزی را برای انسان ها آشکار کرد.

واژگان کلیدی: اسلام، پیامبر، رحمت، صلح

۱- مقدمه

صلح و امنیت از اساسی ترین نیازها و آرزوهای بشر می باشد که متأسفانه هنوز جزء آرمانهای دست نیافته ی بشر به حساب می آید. انسان روزگار ما، ضرورت یک صلح همگانی را در قلب خود احساس می کند و قبل از برآوردن این ضرورت، او در هر اسی روزانه به سر می برد و هر لحظه بیم نزول بلایی را بر سرش احساس می کند در نتیجه این ترس، آینده اش را تیره و تار و ذکرش را مستحروم آویس ساخته است.

۱- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دبیرآموزش و پرورش شهرستان خواف، toufighv4@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی فرش دانشگاه بیرجند

۳- سال چهارم رشته علوم تجربی دبیرستان نمونه دولتی پیامبراعظم (ص) خواف، tj.r.khaf@gmail.com

از آن جا که حرکت و عمل انسان از فکر و انگیزه ی او نشأت می گیرد، تا وقتی فکر و انگیزه ای باعث تحریک انسان نشود هیچ عملی از روی اختیار از او سر نمی زند پس هر چه عمل با مشکلات بیشتری همراه باشد باید هدف و انگیزه ی قوی تری را به حرکت درآورد، به خصوص اگر آن عمل با اراده و علاقه ی انسان تناسب نداشته باشد. گرچه دفاع در بین انسان و سایر موجودات زنده فطری و غریزی است ولی انگیزه ای بسیار قوی لازم است تا برای دفاع از دین، جان و مال خود را در این راه بذل نماید.

در قرن ۱۹ در اروپا هنوز این تصور وجود داشت که وجود توازن قوا و حفظ آن با استفاده از اعمال قوانین بین المللی می تواند موجب دوام صلح و امنیت باشد. اما در آغاز قرن بیستم تقاضاهای ملت های مظلوم و شدت گرفتن رقابتهای اقتصادی و گسترش امپریالیسم باعث بروز کشمکش هایی تازه شد که خطر بروز یک جنگ همگانی را افزایش داد.

اروپا در مدت سه دهه آخر قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم یک دوره ی طولانی صلح را شاهد بود اما این صلح یک صلح واقعی نبود بلکه برزخی میان صلح و جنگ به شمار می آورد و به همین جهت به (صلح مسلح) شهرت یافت. صلح مسلح بر روابط بین المللی تأثیری ژرف گذاشت و اصل خشن و وحشیانه ای را تثبیت کرد که به موجب آن درجه ی اهمیت یک ملت منحصرأ از روی میزان قدرت نظامی آن سنجیده می شد. بدین ترتیب تشکیل یک سازمان بین المللی که حافظ حقوق ملتها بوده و بتواند صلح و امنیت بین المللی را حفظ کند برای نخستین بار در ضمن معاهدات صلح گنجانده شد و رسمیت یافت. با وجود این تنها دو دهه ی بعد با حمله ی ایتالیا به حبشه، عمر این سازمان بین المللی به پایان رسید و چندی بعد با حمله ی آلمان به لهستان، جنگ جهانی دوم آغاز شد.

۲- اسلام و امنیت

بشر به حکم انسانیت و اجتماعی بودنش نیازمند با آرامش و امنیت است و نیز نیازهی آن دارد که ارکان حیاتی بر مبنای حق و عدالت و رحمت و برابری استوار باشد. (السمان، ۱۳۵۷: ۱۵)

ایجاد امنیت جهانی، هدف مهم رسالت اسلام است. اسلام این افتخار را داشته است که در روزگار پیشین در بحران توحش و جهالت بشر، در جامعه ای دور از مدنیت و انسانیت دنیایی سعادت مند، دور از هر گونه اضطراب و سرگردانی بسازد و امروز متعهد است برای بشر آرامش و امنیت پدید آورد و دوام پایدارش را تا قیام روز واپسین سرپرستی و ضمانت نماید. صفحات تاریخ اسلام، حتی آن ها که توسط نویسندگان غیرمسلمان تهیه شده خود شاهدی زنده بر صحت دعوی ما در مورد گذشته ی اسلام است و نیز وجود احکام و قوانین اسلامی که هم اکنون در دست است مؤیدی بر ادعای ما در زمینه ی قدرت اسلام در ادراه ی جهان کنونی است. (همان مأخذ، ۱۳۵۷: ۱۳)

اسلام در راه استقرار امنیت جهانی خیر همه رami طلبد نه آن که خواستار عیب و زیان، نگرانی و تشویش برای نسل و نژادی باشد، زیرا عقیده دارد که دستگاه آفرینش، همه آفریده ی خدای یگانه اند و وجود این همه جوامع مختلف دلیل بر وجود یک خدا و بیان رموز توانایی های اوست. قرآن این مفهوم را چه زیبا و رسا بیان کرده است آن جا که می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ». ذکر کرامتی که در این آیه برای انسان به میان آمده برای طایفه و گروه خاصی نیست بلکه شامل همه ی آدمیان می شود. (همان مأخذ، ۱۳۵۷: ۲۴)

اسلام به صلح و سازش به عنوان یکی از مهم ترین ارکان امنیت عمومی می نگرد و استقرار امنیت ملل جهان را در گرو برخورد و معاشرت مسالمت آمیز می داند. گسترش صلح و صفا در زمین از هدف های مهم دعوت اسلامی و رکن بزرگی در انگیزه دعوت پیامبر اسلام است. «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه» (بقره/۲۰۸) تا جایی که می توان ادعا کرد که همه ی جنگ های اسلامی به منظور ایجاد صلح و سازش بر روی زمین انجام شده است و در این جنگ ها هیچ هدفی جز دفاع از خود و راندن دشمن و مهار کردن رؤسای ظلم و نیز پاسداری صلح در کار نبوده است. (همان

مأخذ، ۹۴:۱۳۵۷) بنابراین، عباراتی چون: «اصلاح بین الناس» (۴:۱۱۴)، «الصلح خیر» (۴:۱۲۸) رامی توان یک شعارخدایی درزمینه ی حل اختلافات تلقی کرد. (خلیلیان، ۱۳۸۲:۲۱۴)

اسلام به مناسبت رغبت وافر ی که به صلح و سلام دارد پیروانش را از آنچه مایه ایجاد اشکال و اختلاف درزمینه ی صلح می شود باز می دارد و می کوشد آن ها را از دخالت دراموری که مایه ی تفرقه و پراکندگی و فتنه و فساد است دور نماید. به همین نظر مردم را از برافروختن آتش فتنه و جنگ، یا زمینه سازی برای آن نهی می کند. (السمان، ۱۳۵۷:۱۰۶)

اسلام از آغاز پرچم صلح را برافراشت و جنگی را جز برای دفاع آغاز نکرد. در سایه تعلیم اسلام، پیروانش صبر و حلمی وصف ناشدنی از خود نشان دادند. آزار و اذیت آنان توسط مشرکین و وادار به مهاجرت شدن نمونه ای از این صبر و استقامت است به گونه ای که هیچ زمینه ای برای نجات نداشتند جز دلگرمی نوید بخشی که زیر لب می گفتند: «صبور باش، وعده گاه تو بهشت جاویدان است.» (همان مأخذ، ۹۵:۱۳۵۷) هنگامی که در روز فتح مکه پیروز شدند، پیامبر نه تنها به قدرت خود مغرور نشد بلکه مکه را پر از صلح و آرامش کرد و همه ی شکنجه دهندگان را بخشید و با آنان مدارا کرد. حتی با وجودی که قادر به رسواساختن منافقان بود صلح و آرامش را سر لوحه ی خود قرارداد و روش عفو و بخشش را انتخاب کرد و گنهکاران را بخشید. (همان مأخذ، ۹۶:۱۳۵۷) او (ص) حتی با اهل ذمه به نیکویی رفتار می کرد و همان حقوق یا مجازاتی را تعیین می کرد که برای مسلمانان تعیین کرده بود به حدی که آنان در عقاید خود آزاد بوده و هیچ اجباری برای پذیرش اسلام نداشتند. پیامبر برای پیروان نصرا ی نجران امان نامه ای نوشت مبنی بر این که مال و ناموس و سنت آن ها در امان اسلام است این امان نامه در زمان خلفای چهارگانه نیز ادامه داشت و هر کدام از ایشان بر آن استوار بودند. (همان مأخذ، ۱۳۵۷:۱۱۲ تا ۱۱۴)

۷- مقرر ساختن حقوق انسان در اسلام

چهارده قرن یا بیشتر، پیش از آنکه چیزی در مورد حقوق انسان به گوش دنیا بخورد، و هنگامی که جهان انسان را فقط موجودی «مکلف» می دید که اجرای وظایف محوله از وی مطالبه می شد، و در صورت عدم اجرا به تناسب کوتا هیش مجازات می گردید، دین اسلام ظهور یافت تا آشکارا اعلام نماید که انسان دارای حقوقی است که رعایت آنها ضرورت دارد همانگونه که وظایفی دارد که واجب است اجرا گردند. و همانگونه که در مورد تکالیف از وی بازخواست به عمل می آید لازم است که حقوقش هم به وی بازگردانده شوند. چرا که هر وظیفه ای در برابر حق ی: و هر حق ی در برابر یک وظیفه می باشد. و این حقوق بخشی از جانب مخلوقی همچون خود وی نیستند، که اگر خواست با اعطای آنها بر او منت بگذارد و هر وقت هم که خواست آنها را از وی باز پس گیرد، هرگز اینها اعطایی از سوی یک امپراتور، فرمانروا یا استاندار، یا یک حزب یا یک کمیسیون نیستند، بلکه حقوقی هستند که خداوند آنها را به عنوان حق طبیعی و لازمه فطرت انسانی برای بشر مقرر، تایید و تاکید نموده است. لذا این حقوق، چه به حکم فطرت و طبیعت و چه به حکم شریعت اسلام، حقوقی هستند ثابت و همیشگی و سلب ناپذیر.

از جمله این حقوق می توان از اینها نام برد: حق زندگی، حق آبرومندی، حق تفکر و اندیشه حق دینداری و اعتقاد، حق بیان، حق سواد آموزی و یادگیری، حق مالکیت، حق برخورداری از امکانات زندگی به مقدار کافی و حق امنیت داشتند. (قرضاوی، ۱۳۷۹:۱۳۴)

به همین منظور اسلام با توجه به اصل تدریج و تأتی نمی خواهد که عده ای از افراد، بنده و برده ی دیگران باشند زیرا با صراحت و وضوح تمام اعلام می کند که همه ی افراد بشر به یک خانواده تعلق دارند و همه ی اولاد و بازماندگان یک پدرند و از نظر آفریدگار جز به دلیل تقوی هیچ کس بر دیگری برتری ندارد. زبان و نژاد و رنگ فقط نشانه هایی از آفریدگار هستند که مردم بدان وسیله یکدیگر را بشناسند. (رفیع الدین، ۲۱۵:۱۳۴۶) فرموده ی خداوند متعال است که: «ای مردم! ما شما را از یک نر و یک ماده آفریدیم و شما را قبایل و خانواده هایی قرار دادیم تا این که یکدیگر

رابشناسد؛ شریف ترین فرد شما نزد خداوند آن کسی است که پرهیزگارتر و وظیفه شناس تر باشد. (رعد/۴۹) و نیز: «آیات او آفرینش آسمان ها و زمین است و اختلاف زبان های شما و رنگ های شما.» (حج/۳۰)

در روح اسلام تمام الفاظ «استعمار، فئودال، طغیان و سرکشی» همه زیر نام «بغی» گردآمده اند و ما را به نبرد با تمام بغی فرمان داده اند و بر مسلمین است که بدون تردید و بدون درنگ و ایجاد تفرقه و جدایی به نبرد با بغی و فساد برخیزند؛ و این مزیت بسیار ارزنده ی اسلام است که در میدان مبارزه ی بشری برای تحصیل آزادی، عدالت و شرف انسانی چنان مقاوم برمی خیزد. (سید قطب، ۱۳۶۱: ۳۱)

مساواتی که اسلام میان افراد بشر قائل است شامل ۳ قسمت است: ۱- مساوات در اصل انسانیت ۲- مساوات در حقوق و تکالیف ۳- مساوات در داوری و اجرای قوانین.

از دیدگاه اسلام آن نظام حقوقی ای درست، استوار و شایسته ی حکومت بر زندگی انسان هاست که بنیادی الهی داشته باشد و چون خدا آن را ترسیم نموده است پس قادر است که قواعد و مقررات حقوقی را درست هماهنگ با مقتضای طبیعت بشر قرار دهد. (خلیلیان، ۱۳۸۲: ۳۷)

۳- نظر اسلام در مورد معاهده

سالها دل طلب جام جم از ما می کرد آنچه خود داشت زیگانه تمنا می کرد (حافظ)

اسلام عقیده ای است که شریعت و قانون از آن برمی آید و بر این قانون است که نظام اسلام استوار می گردد و لذا عقیده، شریعت و نظام، درخت اسلام را تشکیل می دهند، هم چنان که هر درختی از ریشه و تنه و ساقه و میوه تشکیل می شود. لذا اگر بدون ریشه و تنه و میوه در اعماق وجود جای گیرد، ارزشی برای آن نیست، زیرا ریشه ای را که از آن ساقه نرود مثمر مثمر ثمر نخواهد بود. (سید قطب، ۱۳۶۱: ۲۵)

اسلام در مورد وفا به تعهدات ارزش فراوانی قایل شده است و آیات فراوانی در این مورد نازل شده است که به چند نمونه از آنها اکتفا می شود:

۱- «یا ایها الذین امنوا اوفوا بالعقود...» (المائده/۱) یعنی: هان ای کسانی که ایمان آورده اید! به قراردادهای وفا کنید....

۲- «... و اوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤلاً» (بنی اسرائیل/۳۴) یعنی: ... و به پیمان خود وفا کنید زیرا که پیمان بازخواست شدنی است.

۳- «... و الموفون بعهدهم اذا عاهدوا... اولئك الذین صدقوا و اولئك هم المتقون.» (بقره/۱۷۷) یعنی: ... و کسانی که چون پیمان بستند، پیمان خود را به سر برند... آنان کسانی هستند که راست گفته اند، و آنان همان پرهیزگارانند.

۴- «و الذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون (مومنون، ۸)»؛ [و مؤمنان کسانی هستند]... و کسانی که امانت ها و پیمان های خویش را همی پایند. (خلیلیان، ۱۳۶۲: ۲۷۰ تا ۲۷۲)

پیامبر اکرم (ص) نیز در باره وفا به تعهدات می فرمایند: «سه چیز است که کسی را به ترک آنها رخصت نیست: نیک رفتاری با پدر و مادر چه مسلمان باشد و چه کافر؛ وفا به عهد چه برای مسلمان باشد و چه برای کافر؛ بازگرداندن امانت چه به مسلمان و چه کافر.» (نهج الفصاحه، شماره ۱۲۶۴)

و نیز می فرمایند: «لا ایمان لمن لا أمانة له ولا دین لمن لا عهد له» (الهی، ۱۳۸۲: ۳۲) ایمان ندارد کسی که امانت ندارد و دین ندارد کسی که عهد و پیمان ندارد.

همچنین می فرمایند: «آیه المُنَافِقِ ثَلَاثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ» (همان، ۱۳۸۲: ۲۲) نشانه منافق سه تاست آن زمانی که سخن بگوید دروغ باشد هر گاه وعده کند (تعهد کند) خلاف نماید و آنوقت که امانتی به او سپرده شود خیانت کند.

۴- حقوق بین المللی اسلامی

در اسلام چهار منبع حقوقی به نامهای: قرآن، سنت، اجماع و قیاس [عقل] وجود داشته که دو منبع اول به عنوان منبع اصلی و منابع دیگر به عنوان منابع کمکی محسوب می‌شود. لذا آن دسته از قوانین که در قرآن و سنت قطعی هستند هیچکس حق و اختیار تغییر و تبدیل در آنها را ندارد. (نعمانی، ۱۳۷۰: ۷۰) و در این مقاله فقط به این دو مورد اشاره کوتاهی می‌شود:

قرآن: نخستین منبع اصلی برای قوانین اسلام است. قرآن قانون اساسی و محور اندیشه جامعه اسلامی و با اعجازش ضامن بقای دین اسلام گردیده است. کتابی که حیات این آیین را تداوم می‌بخشد و کتابی که نور، برهان، احکام، هدایت و ایمان را برای پیروان مؤمن و وفادارش، به ارمغان آورده است. (خلیلیان، ۱۳۶۲: ۸۸ و ۸۹) از مجموع ۶۶۶۰ آیه قرآن حدود ۵۰۰ آیه راجع به احکام عملی و حقوقی می‌باشد که در خصوص این آیات، آثاری از دانشمندان اسلامی به یادگار مانده است از جمله: کنزالعرفان از فاضل مقداد و آیات الاحکام از مقدس اردبیلی. (همان مأخذ، ۱۳۶۲: ۸۹)

سنت: در اصطلاح فقها به معنی: «گفتار، کردار و یا تایید پیامبر (ص)» و در اصطلاح امامیه به معنی: «گفتار، کردار و یا تایید معصوم» آمده است و هر کدام به احادیثی از پیامبر استناد جسته اند. (خلیلیان، ۱۳۶۲: ۸۹ و ۹۰) «حقوق بین الملل اسلامی» را نیز می‌توان به صورتهای زیر تعریف کرد:

۱- «مجموعه ای از قواعد حقوقی که بر روابط بین المللی یک کشور اسلامی، حکومت می‌کند.» (خلیلیان، ۱۳۸۲: ۱۴ و ۲۲)

۲- «مجموعه قواعد الزام آور شرعی که بر کردار و رفتار انسان، حکومت می‌کند.» (همان مأخذ، ۱۳۸۲: ۱۴ و ۲۰ به نقل از: ناصر کاتوزیان، فلسفه ی حقوق، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، ص ۲۶۴) می‌توان اصل همزیستی مسالمت آمیز را، نخستین اصل حقوقی در روابط بین المللی اسلام تلقی کرد. (همان مأخذ، ۱۳۸۲: ۲۰۹)

اسلام روابط خود را با همه ملل بر اساس حکومت قانون بنا نهاد و هرگز آنها را به لحاظ ظواهر مادی تمدن، طبقه بندی نکرد.

اسلام حتی با ملل ضعیفی که از دیدگاه حقوق بین الملل معاصر، کشورهای ناتوان و نامتمدن خوانده می‌شوند، روابطی بر پایه مقررات حقوقی برقرار می‌کند. البته دولت اسلامی در امر شناسایی کشورها نمی‌تواند بی‌بند و بار باشد، ولی در هر کجا که وجود کشوری را بپذیرد باید روابطش بر اساس حق و عدل و نیز قانون استوار باشد نه زور و سلطه وری. (همان مأخذ، ۱۳۸۲: ۲۰۱) همان گونه که در قرآن آمده است «أَدْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» همگی از در صلح در آید.

رسالت اسلام قطعاً رسالتی جهانی است. از منظر اسلام شرق و غرب باهم تفاوتی ندارند و هر دو بخشی از جهان پهناور و ملک خداوند هستند: همان گونه که خداوند می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَنَّمَا تَوَلَّوْا فَتْحَهُ اللَّهُ» (بقره/ ۱۱۵) یعنی: شرق و غرب از آن خداوند می‌باشند، به هر کجا که روی بیاورید، در آن جا حضور و نظارت دارد.» (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۴۳)

قرآن به مامسلمانان دستور می‌دهد که بر روی اموری که ما را باهم پیوند می‌دهد و سبب ایجاد نزدیکی می‌شود، تأکید نماییم و در راستای رسیدن به تفاهم از مطرح کردن و محوری نمودن نقاط تمایز و اختلاف پرهیز نماییم؛ تازمانی که همه ی ما را به الوهیت خداوند واحد و رسالت های آسمانی فرود آمده از جانب خداوند باور داریم، لازم است این روش و راهکار را در پیش بگیریم. (همان مأخذ، ۱۳۸۲: ۴۹ و ۵۰)

خداوند متعال در آیات زیادی آدمیان را به سوی وحدت و توحید سوق می دهد و به خدای یگانه دعوتش می کند. آیات ۱۶۴ بقره، ۱۰۳ انعام، ۷۰ قصص، ۵۴ صافات، ۶۵ و ۶۶ ص و ۸ دخان نمونه هایی از این آیات است. (السمان، ۱۳۵۷: ۲۲) هم چنین در آیات ۱۲ مؤمنون، ۲۰ روم، ۱۱ فاطر و ۴ تا ۷ فاطر می توانیم وحدت در منشأ آفرینش را ببینیم. (همان مأخذ، ۱۳۵۷: ۲۳)

با این وصف، تا روزی که بشریت هنوز آن آمادگی و شکوفایی فکری را نیافته که یکپارچه به چنین نظامی بگردد، جامعه یا کشوری که آن را پذیرفته حق خواهد داشت با دیگر کشورها روابطی (بین المللی) برقرار سازد؛ ولی البته نه بر خلاف مبانی و اصول آیین خویشتن که مقررات بنیادین حکومت اسلامی به شمار می رود. (خلیلیان، ۱۳۸۲: ۱۰۵)

اسلام نسبت به انتخاب حاکمان شایسته نظر خاصی دارد؛ آیات: «۴۷، ۴۸ و ۴۹ مائده»، «۲۶ ص»، «۶۶ و ۱۰۵ نساء» شاهدین ادعاست. (روحانی، ۱۳۵۷: ۶۵) آن چنان که پیامبرگرامی اسلام (ص) می فرماید: «بهترین پیشوایان شما کسانی هستند که شما آن ها را دوست دارید و آن ها هم شما را دوست دارند، با شما پیوند الفت دارند و شما هم با آنان پیوند دوستی دارید و بدترین پیشوایان شما کسانی هستند که شما ایشان را دشمن می دارید و آنها هم شما را دشمن می دارند، شما آن ها را لعن و نفرین می کنید، آن ها هم به شما لعنت می فرستند.» (السمان، ۱۳۵۷: ۶۴) همچنین می بینیم اسلام نظامی نیست که به یک منطقه خاص جغرافیایی و یا گروهی از افراد انسانی، انحصار یافته باشد: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبا/ ۲۸)

از طرفی دیگر اسلام حکومت جهانی را با یک «بین المللی انسانی و بشری» نوید داده است، نه یک بین الملل مبتنی بر حاکمیت نژاد یا طبقه ای خاص. در نتیجه در مقام ارشاد، همه جا خطابش به (الناس) یعنی «انسانها» بوده است: «یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً.» و «یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم. فطرت الله الی فطر الناس علیها.»

خداوند در آیه: «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» و آیات زیر، همه بشریت را یک امت واحد تلقی میکند: در آیه زیر انسان ها را از اختلاف منع میفرماید: «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاُخْتَلَفُوا.» (یونس/ ۱۹) آنگاه خداوند برای اصلاح این انحراف، پیامبرانی برای هدایت مردم گماشت: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ» (البقره/ ۲۱۳)

و در این میان، امتی چنان موزون و بر اعتدال برافراشت تا الگو و نمونه برای بشریت باشد: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا.» (البقره/ ۱۴۳)

تاجایی که مؤمنان را برادران یکدیگردانسته می فرماید: «انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم.» به درستی که مؤمنان برادر یکدیگرند پس (اگر اختلافی) در بین برادرانتان رخ داد (شما در بین آن ها) صلح و سازش برقرار نمایید. و درجایی دیگر از آنها می خواهد که به اسلام چنگ زده و متحد باشند: «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا» (آل عمران/ ۱۰۵) همگی به ریسمان الهی (دین اسلام) چنگ زنید و از تفرقه بپرهیزید.

۵- نگارندگان حقوق بین الملل اسلامی

غریبان «گرتیوس» را پدر حقوق بین الملل پنداشته اند ولی در حقیقت مسلمانان بودند که قرن ها قبل شاخه ای از حقوق خود را جدا کردند و به طور مستقل با عنوان «سیر» به تحقیق و نگارش پرداختند. (خلیلیان، ۱۳۸۲: ۵۹)

در اصطلاح حقوق دانان اسلامی، سیر یعنی: «رفتار دولت اسلامی در روابطش با دیگر جوامع» (مجید خدّوری، کتاب سیر شیبانی)، یا «رفتار دولت اسلامی در امور بین المللی» (محمد حمیدالله، کتاب سیر)

نخستین کسی که در زمینه ی سیر کتابی به نام «المجموع» نوشت، زید بن علی (شهادت ۱۲۲) بود. (خلیلیان، ۱۳۸۲: ۶۰) از دیگر حقوق دانان اسلامی که در این زمینه به نگارش پرداخت، عبدالرحمن أوزاعی (۸۸-۱۷۵) بود

(همان، ۱۳۸۲: ۶۱ به نقل از: الاثمه الاربعه، ص ۲۶) که ابوحنیفه (۸۰-۱۴۵) درباره اش گفته است که نخستین کسی بود که به شرح یک رشته از اصول وقواعد حاکم بر روابط خارجی مسلمانان پرداخت و نخستین کسی بود که روابط بین الملل اسلامی را به گونه ی انسجام یافته ای بررسی کرد. (همان، ۱۳۸۲: ۶۱ به نقل از: مجید خدّوری، سیرشیبانی، ص ۱۶۷)

ابویوسف (فوت: ۱۷۶)، یکی از شاگردان ابوحنیفه، از دیگر حقوق دانانی بود که قرن ها قبل از «گروتیوس» به فکر نظام بین المللی اسلامی افتاد و به درخواست هارون الرشید کتاب «خراج» را نگاشت و در ضمن تفسیری بر «سیر» اوزاعی، از نظریه های ابوحنیفه دفاع کرد. (همان، ۱۳۸۲: ۶۱ به نقل از: خدّوری، همان، ص ۲۵)

ابواسحاق قزّاری (فوت: ۱۸۶) نیز از جمله کسانی بود که درباره ی حقوق بین الملل اسلامی کتاب نوشت و مانند ابویوسف، اثر خود را بر پایه ی نظریات چند حقوق دان فراهم آورد.

از بهترین کسانی که در زمینه ی حقوق بین الملل اسلامی کتاب تخصصی نگاشته است محمد بن حسن شیبانی (وفات: ۱۸۲)، از یاران ابوحنیفه، است. او کتابی به نام «السير الكبير» نوشت که شرح آن توسط «سرخی» یکی از فقهای بزرگ حنفی ترکستان (قرن ۴) تهیه گردید. پس از چاپ این اثر در ۱۸۲۵، «ژزف همرفون پورگشتال» در مقام ستایش، شیبانی را «گروتیوس» اسلام خواند. (همان، ۱۳۸۲: ۶۲ به نقل از: خدّوری، همان، صص ۵۶ و ۵۷) پس از یک قرن یعنی سال ۱۹۱۷ که شرح سرخی در ۴ جلد در حیدر آباد چاپ شد، دانشمندان دوباره او را تحسین نمودند و «هانس کروسه» بار دیگر او را به عنوان «گروتیوس» اسلام ستود و حتی انجمنی به عنوان انجمن حقوق بین الملل شیبانی در سال ۱۹۵۵ تأسیس کرد. (همان، ۱۳۸۲: ۶۲)

پروفسور احمد رشید نیز که در ۱۹۳۷ در آکادمی لاهه به تدریس حقوق بین الملل پرداخت، عنوان درس خود را «اسلام و حقوق ملل» قرارداد. (همان، ۱۳۸۲: ۸۰)

۸- تجسم صلح و امنیت از دیدگاه بزرگانی که اسلام آورده اند

خانم «اولین زینب کوبولد» مسلمان انگلیسی، می گوید: «کلمه ی اسلام در لغت به معنی تسلیم کامل به خداوند است و معنی دیگرش صلح است. یک مسلمان کسی است که با احکام خالق این جهان موافق است و کسی که با خداوند خالق خود در صلح است.» (باوانی، ۱۳۶۱: ۷۷)

او می افزاید: «اسلام بر پایه ی دو حقیقت استوار است: الف) یگانگی خداوند ب) برادری انسان ها...» (همان مأخذ، ۱۳۶۱: ۷۷)

«عمر میتا» اقتصاددان، مددکار اجتماعی و کشیش مسلمان شده ی ژاپنی می گوید: «اسلام یعنی صلح و هیچ ملتی در روی زمین بیش از ملت ژاپن به صلح و آرامش نیاز ندارد. صلح و آرامش برای مافقط با پذیرش دین صلح و آرامش مقدور و میسر خواهد گشت. صلح با تمام ابناء بشر و صلح با خداوند. برادری جهانی اسلام یکی از بنیان های اساسی اسلام است و سعادت و رستگاری بشر به آن بستگی دارد.» (همان مأخذ، ۱۳۶۱: ۱۳۳)

خانم «فاطمه کازو» مسلمان ژاپنی می گوید: «اگر به سلام مسلمانان توجه کنید می بینید که آن ها در ملاقات یکدیگر می گویند: السلام علیکم ورحمه الله؛ یعنی صلح و رحمت خداوند بر تو باد... من راه و روش زندگی در اسلام را که بسیار خالص و پاکیزه و ساده و صلح آمیز است دوست دارم. به من ثابت شده است که فقط اسلام می تواند یک زندگی صلح آمیز را برای فرد و جامعه فراهم سازد. اسلام به تنهایی می تواند به بشر صلح و آرامش دهد، صلحی که بشریت در آرزوی آن است...» (همان مأخذ، ۱۳۶۱: ۸۳)

«جان اف. سی. لی» منشی افتخاری مسلمانان انگلیسی چینی پتالینگ جایا (مالزی) درباره ی برابری حقوق انسان ها می گوید: «مسلمانان همه را برابر می دانند. شاه و گدا در اسلام یک مسلمان به دیگران زور نمی گوید و هرگز

تن به تحمل زور نمی دهد... در قلمرو اسلام انتقاد از خود لازم است. مسلمانان، ضد فساد و کلاهبرداری و سازش و ضد تمام اعمال خلاف قانونند. زیرا این پدیده ها خصمانه و مضر و غیر انسانی است.» (همان مأخذ، ۱۳۶۱: ۱۲۱)

«علی محمد موری» مددکار اجتماعی و کشیش مسلمان شده ی ژاپنی در این باره می گوید: «به عقیده ی من راهی که مردم ژاپن در جست و جوی آن هستند اسلام است. مخصوصاً برداری جهانی که در اسلام است برای من بسیار قابل تمجید است. مسلمانان روی زمین همه با هم بردارند و خداوند توصیه فرموده است که آن ها باید بایکدیگر در صلح و آرامش به سر برند. من عقیده دارم که چنین عقیده ای برای آرامش و صلح جهان لازم است و امروزه این چنین ایمانی می تواند جهان را در یک پویش انسانی برای صلح و آرامش رهنمون شود.» (همان مأخذ، ۱۳۶۱: ۱۳۵)

«مسعوده اشتاین من» در بحثی با عنوان: «چرا مسلمان شدم؟» می گوید: «هیچ مذهب دیگری جز اسلام با پیروان انبوه، چنان قابل فهم و امیدوارکننده نیست و هیچ راهی بهتر از آن برای رسیدن به صلح و آرامش و رضای خاطر و هیچ الهامی بهتر از آن برای آینده ی پس از مرگ وجود ندارد.» (همان مأخذ، ۱۳۶۱: ۲۴۵)

۹- نتیجه

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «من بیشتر دوست دارم که شما را در موقع مراجعت (از جهاد) همراه با مردمی ببینم که به اسلام گرویده اند نه با عده ای کودکان و زنانی که پدران و شوهران آن ها را کشته باشید.» (اشراق، ۱۳۶۰: ۱۲۸)

از این روایت و آیات و روایات مشابه می توان نتیجه گرفت که گرچه اسلام، انسان را به جنگ و دفاع تشویق می کند ولی در واقع: «هدف حقیقی و علت غایی جهاد، صلح است یعنی صلح قطعی بشریت که تحت تبعیت و سلطه ی قواعد آیینی یکتاپرست قرار گیرد.» (اشراق، ۱۳۶۰: ۱۲۸ به نقل از: اسلام و حقوق بین المللی عمومی، ص ۱۲۶) جنگ و جهاد در اسلام بیشتر جنبه ی دفاعی دارد تا هجومی و اگر هجومی صورت گیرد به هدف فراخواندن به توحید و یکتاپرستی است نه گشور گشایی.

اسلام می خواهد که از انسان های موجود در کره ی زمین، فقط یک امت به هم پیوسته و واحد بشری فراهم آورد. یعنی کشوری به عرض و طول جغرافیایی همه ی کره ی زمین و دولتی به شعاع فعالیت و صلاحیت همه ی انسان ها و سرزمین ها. ولی تاپیش از رسیدن به چنان کمال مطلوبی، اسلام نخست باید پیش از هر چیز برای شرایط کنونی چاره ای بیندیشد و همزمان نیز بکوشد تا از راه اصلاح اندیشه ی بشر، نهادی را آماج بخشد تا نظام جهان شمول او را، در عمل، بر سراسر گیتی گسترش دهد. زیرا که اسلام نظامی نیست که به یک منطقه ی خاص جغرافیایی یا یک گروه مخصوصی از انسان ها منحصر شده باشد: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ». برای رسیدن به این مطلوب باید نوع معرفی اسلام به صورت عملی و مرتبط با فکر و عمل باشد زیرا عمل نشان دهنده ی واقعیت هاست و مسلمان باید در این راه جرأت و شهامت نشان دهد و اگر عملی اشتباه و وارونه از او سرزد بیزاری خدا و رسول را از آن اعلام دارد. (قائمی، ۱۳۵۸: ۹۳) باید اصحاب عقل و قلم با همکاری حکمت و اخلاص به وسیله ی اراده ی قوی به میدان آیند و از جوهر کرسی نشینان ستمگر نهراسند. در نتیجه همچون گذشتگان باید در فهم دین و مقاصد و مسئولیت های مترتب بر آن استوار بوده و برای جبران این سرشکستگی ها باید رهنمودهای قرآنی و دستورات نبوی را فرا رها مان قرار دهیم.

منابع و مأخذ

- ۱- اشراق، محمد کریم، (۱۳۶۰)، تاریخ و مقررات جنگ در اسلام، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- ۲- السّمان، عبدالله، (۱۳۵۷)، اسلام و امنیت جهانی، ترجمه: دکتر علی قائمی، تهران: انتشارات شناخت اسلام.

- ۳- الهی، محمد عاشق، (۱۳۸۲)، زاد الطالبین (مزاد الراغبین)، اخراج الاحادیث: عبدالمجید مرادزهی خاشی، پاکستان: اسلامیات
- ۴- باوانی، ابراهیم احمد، (۱۳۶۱)، اسلام آیین برگزیده ی ما، ترجمه: مسعود کشاورز، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۵- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۳۸۴)، مختصر صحیح البخاری، اختصارکننده، ابوالعباس زین الدین احمد بن احمد بن عبداللطیف الشرجی الزبیدی، مترجم: عبدالقادر ترشابی، زاهدان: انتشارت حرمین، چاپ اول.
- ۶- خلیلیان، سیدخلیل، (۱۳۸۲)، حقوق بین الملل اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دهم.
- ۷- _____، (۱۳۶۲)، حقوق بین الملل اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، جلد اول.
- ۸- رفیع الدین، محمد | پروفیسور دکتر [رئیس آکادمی اقبال]، (۱۳۴۶)، منشور جهانی اسلام، ترجمه: سیدغلامرضا سعیدی، تهران: ناشر کتاب فروشی شکیب.
- ۹- روحانی، سید محمد صادق، (۱۳۵۷)، نظام حکومت در اسلام، تهران: نشر مکتبه ی امام صادق، چاپ سوم.
- ۱۰- سید قطب، (۱۳۶۱)، مجموعه مقالات اخلاق و تربیت در اسلام، ترجمه: روح الله مازندرانی، تهران: رسالت قلم، چاپ دوم
- ۱۱- قائمی، علی، (۱۳۵۸)، راه امروز ما به سوی اسلام، قم: انتشارات شفق.
- ۱۲- _____، (۱۳۸۲)، جهانی شدن و نظریه ی پایان تاریخ و برخورد تمدن ها، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، تهران: نشر احسان، چاپ اول.
- ۱۳- _____، (۱۳۷۹)، ویژگیهای کلی اسلام، ترجمه: جلیل بهرامی نیا، تهران: نشر احسان، چاپ اول.
- ۱۴- نعمانی، محمد منظور، (۱۳۷۰) دین و شریعت، ترجمه: محمد قاسم قاسمی، زاهدان: چاپ فردوسی، چاپ اول.

